

امکان‌سنجی بکارگیری رهیافت‌های توانمندسازی در ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی ناحیه گلشهر مشهد

عیسی پیری: دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران*
نادر زالی: استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه گیلان، رشت، ایران
علی‌اکبر تقیلو: دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

چکیده

حاشیه‌نشینی و یا به تعبیر امروزی اسکان غیر رسمی، پیامد شهرنشینی سریع و انتقال به پارادایم اقتصادی اجتماعی صنعتی شدن است که شهرنشینی، شکل فضایی غالب و موازی انتقال اجتماعی اقتصادی این پارادایم است. این پدیده در دهه‌های اخیر با پیدایش جامعه اطلاعاتی همچنان گسترش یافته و گویی تعهدی برای بقا و بازتولید آن وجود دارد. از دهه ۱۹۸۰ رهیافت توانمندسازی با ابتکار عمل بانک جهانی به منظور ساماندهی سکونتگاه‌های غیر رسمی، افراد ساکن در این نوع سکونتگاه‌ها را نه به عنوان معضل، بلکه به عنوان دارایی می‌نگرد و ارتقای وضعیت اجتماعی- اقتصادی آنها را با نقش تسهیل‌گر دولت بر عهده خود آنان می‌گذارد تا تعهد و توانمند سازی را جایگزین فرهنگ استحقاق و فرهنگ فقر نماید. مشهد در مقام اولین کلان شهر مذهبی جهان و دومین کلان شهر ایران مقصد نهایی مهاجرت‌های گسترده شرق کشور و حتی کل کشور است که این موضوع باعث شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیر رسمی با وسعت ۲۰۰ کیلومتر مربع و جمعیت بیش از ۷۰ هزار نفری شده است. گلشهر در شمال شرق مشهد با جمعیتی در حدود ۳۴۶۵۰ نفر (۱۳۸۵)، که اکثراً هم‌افغانی بوده‌اند، یکی از مناطق حاشیه‌نشین شهر مشهد است که با وجود قرار گرفتن در محدوده طرح جامع شهری از سال ۱۳۷۲، شاخص‌های اجتماعی اقتصادی و کالبدی آن در وضعیت نامناسبی قرار دارد. این مقاله با استفاده از روش SWOT به ارائه رهیافت توانمندسازی در ساماندهی ناحیه شهری فوق می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که این رهیافت با تاکید بر قابلیت‌ها و توانایی‌های ساکنان، ضمن حفظ کرامت انسانی حاشیه‌نشینان بهتر از سایر راهبردها در بهسازی و ساماندهی محیطی اثرگذار است.

واژه‌های کلیدی: اسکان غیر رسمی، توانمند سازی، تکنیک SWOT، گلشهر مشهد، حاشیه‌نشینی

۱- مقدمه

۱-۱- طرح مسأله

حاشیه‌نشینی^۱، فرجام تمدن صنعتی مدرن و یکی از تجلیات غم‌انگیز شهرنشینی سریع است (Bane, 2002: 2). عمده حاشیه‌نشینان، مهاجران روستایی هستند که به دلیل پایین بودن سطح مهارت‌های فنی و سطح سواد و فرهنگ نمی‌توانند جذب محیط قانونی شهر شوند، بنابراین، در زمینهای نامرغوب حاشیه شهر بصورت مجاز یا غیر مجاز ساکن می‌شوند (احمدیان، ۱۳۷۷: ۸۱۹-۸۲۰). بنابر اعلام مرکز اسکان بشر سازمان ملل متحد، در سال ۱۹۹۶ یک پنجم جمعیت جهان فاقد خانه‌ای در شأن زندگی انسان بودند که دامنه گسترده‌ای از بی‌سرنوشتی‌ها و خیابان‌خواب‌ها تا آلونک‌نشینان را در بر می‌گرفت (صرافی، ۱۳۸۱: ۹) و تا سال ۲۰۲۵، طبق برآوردهای بانک جهانی، ۸۸٪ از مجموع رشد جمعیت جهان در نواحی شهری وسیع اتفاق خواهد افتاد و ۹۰٪ از این رشد شهری در کشورهای در حال توسعه جذب خواهد شد (Thorns, 2002:13). رشد سریع شهرنشینی به دلیل عدم توان پذیرش معقول محدوده قانونی، جریان اسکان را به حاشیه شهر هدایت کرده و باعث شکل‌گیری زاغه‌های غیر قانونی می‌گردد.

بنابراین ملاحظه می‌شود که به موازات شهرنشینی، پدیده حاشیه‌نشینی نیز به تدریج شکل گرفته و هر طرح و برنامه‌ای برای شهر، نیازمند لحاظ مسائل مربوط به این پدیده خواهد بود. از اینرو حاشیه‌نشینی یا اسکان غیر رسمی مسأله‌ای گذرا با ابعاد محدود نبوده و توافقی بر بقاء، باز تولید و بسط آن وجود دارد

که حاکی از عدم کفایت سیاست‌های توسعه شهری متداول است و رهیافت‌ها و اقدامات نوینی را می‌طلبد و نیازمند پی‌ریزی طرحی نو فراسوی محدودیتها و توافقه‌های رسمی یا غیر رسمی ساختارهای فعلی است. در دهه‌های اخیر در طول انجام برنامه‌ها و طرحهای اجتماعی و اقتصادی توسعه خطی و کارکرد گرایانه، با نگرشی لیبرالیستی، همه منتظر حل معضل از طریق دست پنهان بازار آزاد و لسه فر^۲ بودند و در همین دوران مخصوصاً دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ راهبرد تخریب و یا انتقال به مسکن اجتماعی و عمومی اندیشیده شد. با انتقاد از آن، در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ راهبرد تامین زمین و خدمات توسط کسانی مانند جان ترنر ارائه شد که با نادیده انگاری موضوعات اجتماع محلی نظیر سرمایه اجتماعی و کالبدی ساکنان، این طرحها نیز با شکست مواجه شده و باعث انتقال کلنی فقر و حاشیه‌نشینی شد. در اواخر دهه ۱۹۸۰ رهیافت توانمند سازی مطرح گردید که این رویکرد افراد ساکن در این نوع سکونتگاهها را نه به عنوان یک معضل بلکه به عنوان یک دارایی اجتماعی نگریده و ارتقای وضعیت اجتماعی اقتصادی آنها را با نقش تسهیل‌گر دولت بر عهده خود آنان می‌گذارد تا تعهد و توانمند سازی را جایگزین فرهنگ استحقاق و فرهنگ فقر بنماید (جوان، ۱۳۸۲: ۳۲).

اسکان غیر رسمی در ایران به دلیل فرایند سریع شهرنشینی بعد از اصلاحات ارضی، به یک معضل جدی شهرهای بزرگ به خصوص کلانشهرها تبدیل شده و با وجود به کارگیری روشهای مختلفی همچون

بالاترین میزان نرخ رشد جمعیت را در میان کلانشهرهای کشور دارا بوده که مسلماً بخش عمده این نرخ رشد بالا به حاشیه شهر مشهد اختصاص دارد (جدول شماره ۱)، حاشیه‌ای که متجاوز از دویست کیلومتر مربع وسعت دارد و جمعیتی حدود ۶۵۰ هزار تن را در هفت شهرک و دویست و سیزده روستا در خود جای داده و دور تا دور شهر مشهد را در بر گرفته است. این جمعیت از جمعیت استانهای ایلام، سمنان و کهگیلویه و بویر احمد بیشتر است افزون بر این جمعیت حاشیه شهر مشهد از جمعیت ۱۹ مرکز استان کشور بیشتر و از حیث جمعیت بزرگترین لکه‌های حاشیه‌نشینی شهر مشهد به شمار می‌رود (جوان، ۱۳۸۲: ۵۲)

تخریب، محرومیت قانونی و عدم امکان دسترسی به شبکه‌های زیربنایی، روز به روز بر گسترش محدوده و ابعاد مختلف آن افزوده شده و هم اکنون بعد از موفقیت‌های جهانی سیاست توانمندسازی در حاشیه شهرها، ایران نیز بکارگیری این سیاست را در کلانشهرها در دستور کار قرار داده است.

مشهد در بین شهرهای ایران ویژگی منحصر به فردی دارد که آن را به اولین کلان شهر مذهبی جهان تبدیل کرده است. بزرگترین شهر بلامنازع شرق کشور که بالاترین درصد جمعیت‌پذیری در سطح استان و بیشترین سهم ایرانگردی در سطح کشور را داراست. مشهد با جمعیتی حدود ۲/۵ میلیون نفر در سال ۱۳۸۵ پس از تهران بزرگترین کلان شهر کشور بوده است. این شهر در طول سالهای ۸۵-۱۳۵۵ پس از کرج

جدول ۱- تعداد و درصد جمعیت شهرهای بزرگ ایران در سالهای ۸۵-۱۳۵۵ (هزار نفر)

شهر	جمعیت ۱۳۵۵	جمعیت ۱۳۶۵	جمعیت ۱۳۷۵	جمعیت ۱۳۸۵
تهران	۴۵۳۰ (٪ ۲۸/۶)	۶۰۴۳ (٪ ۲۲/۵)	۶۷۸۹ (٪ ۱۸/۴)	۷۰۸۸ (٪ ۱۴/۶)
مشهد	۶۶۱/۱ (٪ ۴/۲)	۱۴۶۴ (٪ ۵/۵)	۱۸۸۷ (٪ ۵/۱)	۲۴۲۷ (٪ ۵)
اصفهان	۶۶۲ (٪ ۴/۲)	۹۸۷ (٪ ۳/۷)	۱۲۶۶ (٪ ۳/۴)	۱۶۰۲ (٪ ۳/۳)
تبریز	۵۹۸ (٪ ۳/۸)	۹۷۱ (٪ ۳/۶)	۱۱۹۱ (٪ ۳/۲)	۱۳۹۸ (٪ ۲/۸)
شیراز	۴۲۶ (٪ ۲/۷)	۸۴۸ (٪ ۳/۲)	۱۰۵۳ (٪ ۲/۹)	۱۲۲۷ (٪ ۲/۵)
اهواز	۳۳۴ (٪ ۲/۱)	۵۸۰ (٪ ۲/۲)	۸۰۵ (٪ ۲/۲)	۹۸۵ (٪ ۲)
قم	۲۴۷ (٪ ۱/۶)	۵۴۳ (٪ ۲)	۷۷۸ (٪ ۲/۱)	۹۶۴ (٪ ۱/۹)
کرمانشاه	۲۹۱ (٪ ۱/۸)	۵۶۱ (٪ ۲/۱)	۶۹۳ (٪ ۱/۹)	۷۹۴ (٪ ۱/۶)

ماخذ: (Fanni, 2006) و نتایج سرشماریهای نفوس و مسکن مرکز آمار ایران

است که با توجه به تجارب اندکی که در زمینه بکارگیری رهیافت توانمندسازی وجود دارد آیا می‌توان با استفاده از این رهیافت و با تکیه بر سرمایه‌های درونی سکونتگاه‌های غیر رسمی (کالبدی و اجتماعی و اقتصادی) در ارتقاء کیفیت کالبدی و اجتماعی و اقتصادی شهرک گلشهر مشهد اقدام کرد؟

ناحیه حاشیه‌نشین گلشهر مشهد در شمال شرقی شهر واقع شده و از نظر شاخصهای زیر ساختی، اجتماعی و اقتصادی در وضعیت مناسبی قرار ندارد. این ناحیه جمعیتی در حدود ۳۴۶۵۰ نفر را در خود جای داده است. کمبود فضاهای آموزشی، بهداشتی، تفریحی در کنار نبود زیرساختهای مناسب از مشکلات اصلی گلشهر است. بنابراین مسأله اصلی تحقیق این

۱-۲- اهمیت و ضرورت

بی تفاوتی نسبت تغییرات سریع ترکیب جمعیت شهری و روستایی و مسامحه در برخورد با این جریان، باعث گسترش سریع اسکان غیر رسمی در شهرهای بزرگ گردیده و برای ساکنین به نوعی حق مالکیت و حق سکونت ایجاد کرده است که می‌تواند تبعات خاص اجتماعی نیز به دنبال داشته باشد. در خصوص شهر مشهد به دلیل گسترش سریع اسکانهای غیر رسمی و مستاصل ماندن نهادهای رسمی در برخورد با آنها به دلیل ماهیت زنجیره‌ای مهاجرتها، ضرورت تحقیق در این خصوص کاملاً احساس می‌شود که در این مقاله سعی می‌شود ضمن بررسی نقاط ضعف و قوت و با توجه به فرصت‌های موجود و تهدیدهای پیش روی، نحوه ساماندهی حاشیه‌ها با رویکرد توانمندسازی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و راهکارهای لازم در این خصوص ارائه گردد.

۱-۳- اهداف پژوهش

هدف این تحقیق امکان‌سنجی بکارگیری رهیافت توانمندسازی در ساماندهی اسکان غیر رسمی ناحیه حاشیه نشین گلشهر مشهد است. در قالب این هدف کلان، اهداف فرعی زیر برای رسیدن به هدف تحقیق مدنظر است:

- بررسی ویژگی‌های رویکرد توانمندسازی در بهسازی محیط‌های شهری با اسکان غیر رسمی؛
- بررسی نقاط ضعف ناحیه گلشهر از منظر کالبدی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و اقتصادی؛
- بررسی نقاط قوت ناحیه گلشهر از منظر کالبدی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و اقتصادی؛

- شناسایی تهدیدات ممکن در ناحیه مطالعه از ابعاد کالبدی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و اقتصادی؛
- شناسایی فرصت‌های موجود در محله گلشهر برای استفاده از رویکرد توانمندسازی در زمینه‌های مختلف؛
- تدوین راهکارهای مناسب توانمندسازی محله گلشهر با تکنیک SWOT.

۱-۴- پیشینه پژوهش

حاشیه‌نشینی پدیده‌ی نه چندان نو ظهور جهان سومی‌هاست که در متن‌های امروزی، به جای آن از تعبیر «اسکان غیر رسمی» نیز استفاده می‌شود. گفتنی است در مطالعات و تحقیقات مربوط به موضوع، واژه اسکان غیر رسمی، به مرور جایگزین واژه «حاشیه‌نشینی» می‌شود. به طوری که دکتر پرویز پیران در مقاله «باز هم در باب اسکان غیر رسمی» مفهوم حاشیه‌نشینی را، نادرست و گمراه‌کننده می‌داند و واژه «اسکان غیر رسمی» را پیشنهاد می‌کند. مهمترین نهاد فراملی که به طور موثر به موضوع اسکان غیر رسمی پرداخته است بانک جهانی است که سیاست‌های برخورد آن با مسکن نامتعارف به سه دوره ۱۹۷۲-۱۹۸۲، ۱۹۸۳-۱۹۹۳ و دوره بعد از ۱۹۹۳ قابل تفکیک است. در دوره ۱۹۸۳-۱۹۹۳ مهمترین نظریه پیشتاز در زمینه ساماندهی اسکان غیررسمی نظریه Site and Service ترنر است که مهمترین مولفه آن پس‌انداز و مسکن حداقل است. مهمترین نگرانی بانک جهانی از عملیاتی کردن این نظریه تضمین بازگشت سرمایه و ارائه راهکارهای مالی پایدار بود. راهبرد توانمندسازی اسکان غیر رسمی از دهه ۱۹۹۰ باز هم با پیشتازی بانک جهانی در کشورهایی همچون برزیل، ترکیه، اندونزی و فیلیپین آغاز شد که مهمترین عنصر

۱-۵- سئوال‌های تحقیق

- نقاط ضعف کالبدی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و اقتصادی محله گلشهر برای توانمندسازی کدامند؟

- محله گلشهر مشهد دارای چه نقاط قوت کالبدی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و اقتصادی برای توانمندسازی است؟

- تهدیدات کالبدی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و اقتصادی محله گلشهر در توانمندسازی کدامند؟

- در محله گلشهر مشهد چه فرصت‌های کالبدی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و اقتصادی برای توانمندسازی وجود دارد؟

- راهکارهای مناسب توانمندسازی محله گلشهر مشهد با توجه نقاط ضعف، قوت، تهدیدات و فرصت‌ها کدامند؟

۱-۶- روش تحقیق

این تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی و از نظر روش اسنادی و پیمایشی است. مطالعات اسنادی شامل مطالعه منابع موجود درباره اسکان غیر رسمی و راهبرد توانمندسازی و نیز مطالعه گزارشها و طرحهای موجود درباره ناحیه گلشهر و مطالعات پیمایشی و میدانی شامل تکمیل پرسشنامه، مصاحبه و مشاهده وضعیت کالبدی - اجتماعی و اقتصادی شهرک گلشهر بوده است.

جامعه آماری این پژوهش، سکونتگاه‌های غیر رسمی شهر مشهد است که با توجه به گستره موضوع تحقیق ناحیه گلشهر با جمعیتی حدود ۳۴۶۵۰ نفر (۱۳۸۵) انتخاب شد و براساس روشهای آماری و نمونه‌گیری، تعداد ۵۰ خانوار از ساکنان به عنوان نمونه

آن تامین امنیت سکونت و به رسمیت شناختن بود. به موازات رشد و گسترش اسکان غیر رسمی در ایران به خصوص از دهه ۱۳۴۰ پژوهش‌ها و مطالعات نظری درباره ماهیت، علل و عوامل گسترش و نیز پیامدها و راهکارها مورد توجه بوده است که در این میان به مطالعات زیر می‌توان اشاره کرد: مجید احسن و مصطفی نیرومند (۱۳۵۱)، پژوهش موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران (۱۳۵۱)، محمد حسین کازرونی (۱۳۵۱)، حسین شکویی (۱۳۵۴)، کریم حسین‌زاده دلیر (۱۳۶۱)، پرویز پیران (۱۳۶۷)، حمیده امکچی (۱۳۷۳) و ... از پژوهش‌های نظری متاخرتر مقاله صرافی (۱۳۸۱) با عنوان به سوی نظریه‌ای برای ساماندهی اسکان غیر رسمی - از حاشیه‌نشینی تا متن شهرنشینی است که ضمن پرداختن به علل رویش اسکان غیر رسمی در سطح خرد و کلان، راه حل مداراگرایانه و اصلاح تدریجی در راستای یکپارچگی با شهر رسمی را از رهگذر راهبرد توانمندسازی مورد تاکید قرار می‌دهد. عماد افروغ در کتاب فضا و نابرابری اجتماعی معتقد است تا زمانی که توزیع فضایی مناسبی در امکانات، خدمات و تسهیلات شهری صورت نگیرد عدالت اجتماعی به معنای واقعی ارزشی، اتفاق نخواهد افتاد. از نظریات دیگر پشتیبان راهبرد توانمندسازی، نظریه فقر قابلیت آماری است که در حوزه مطالعات جغرافیای شهری به آن پرداخته نشده است. سن در کتاب برابری و آزادی به جای تعریف جان رالز از فقر به مثابه فقدان برابری فرصت‌ها از مفهوم برابری قابلیت‌ها سخن می‌گوید. در واقع وی عدم برخورداری از قابلیت‌های پایه‌ای مانند سواد، آموزش، سلامتی و ... را فقر قابلیت می‌نامد که مهمترین راه مبارزه با آن توانمندسازی فقیران است.

۱-۷- محدوده پژوهش

شهرک گلشهر جزء منطقه ۵ شهرداری مشهد است که با مساحتی در حدود ۳۷۱/۸۴ هکتار در شمال شرقی شهر قرار گرفته است. این ناحیه از شمال به خیابان پنج تن و کوی شیخ حسن و شهرک التیمور از غرب به کمربندی صدمتری از جنوب به بزرگراه ۷۵ متری رضوی و از شرق به کال اقبال محدود می‌شود. چهار محور ارتباطی اصلی شمالی- جنوبی کلات، سیمان، طبرسی و التیمور به ترتیب از غرب به شرق به موازات یکدیگر از نزدیکی شهرک گلشهر عبور کرده و دسترسی به نواحی مسکونی روستاهای واقع در منطقه را تأمین کرده است.

۲- مفاهیم، مبانی نظری و روش‌ها

واژه توانمندسازی^۱ در بافت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مختلف معانی متفاوتی را به خود می‌گیرد که شامل کنترل، قدرت متکی به خود^۲، اتکاء به خود^۳، انتخاب، زندگی شرافتمندانه مطابق با ارزشهای خویش، ظرفیت چالش و مقابله بر سر حقوق خویش، آزادی، آگاهی و توانایی می‌باشد که در درون نظامهای ارزشی جوامع جای دارد. با این حال بانک جهانی تعریف رسمی این واژه را این چنین بیان داشته است: "توانمندسازی عبارت است از گسترش دارایی‌ها و توانایی‌های افراد فقیر به منظور مشارکت، چانه زنی، تاثیر گذاری، کنترل و حفظ مؤسسات پاسخگویی که زندگی آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهند. (Narayan, 2002:13-14). به عبارتی دیگر تقویت توانایی گروه‌های محروم برای استفاده از

انتخاب و پرسشگری شده است. واحد تحلیل در نمونه آماری خانوار است مقدار حجم نمونه در سطح اطمینان ۹۵ درصد و دقت احتمالی ۰/۰۵ انتخاب شده است.

شیوه نمونه‌گیری در این تحقیق از نوع دو مرحله‌ای خوشه‌ای و سیستماتیک بوده است بدین صورت که با استفاده از نقشه گلشهر مشهد ابتدا خوشه‌های مختلفی انتخاب و سپس از داخل خوشه‌ها، به روش نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک و با استفاده از فرمول عمومی کوکران تعداد ۵۰ خانوار برای پرسشگری و مصاحبه انتخاب شده‌اند و سپس به کدگذاری و تشکیل بانک اطلاعاتی در نرم افزار Spss اقدام شده است. در تحلیل نقاط ضعف و قوت ناحیه گلشهر از تکنیک^۳ SWOT استفاده شده که به روش دلفی و با کمک متخصصان شهری و کارشناسان مرکز ساماندهی حاشیه نشینی وابسته به شهرداری مشهد به دست آمده است. قلمرو پژوهش ناحیه گلشهر شهر مشهد است.

کیفیت محیط زندگی، نوع شغل سرپرست خانوار، وضع سواد و میزان تحصیل، درآمد ماهانه، وضع مالکیت مسکن، توان عرضه کالا در بازارهای مکاره محلی، وضعیت رابطه با همسایگان و سایر مسائلی که به ظرفیت‌ها و چالش‌های ناحیه حاشیه نشین مربوط است از جمله متغیرهای مورد استفاده در تحلیل اسکان غیر رسمی بوده است که عمدتاً اطلاعات این بخش‌ها غیر از پرسشنامه معمول، به صورت مصاحبه محتوایی با ساکنان، مسئولان و ریش سفیدان به دست آمده است.

1-Empowerment
2-self- power
3- self-reliance

3 -Strength, Weakness, Opportunity, Threats
(SWOT)

منزله سنگ بنای عظیم تولید و ثروت به شمار می‌رود. به طوری که دانش عمومی اجتماعی به صورت نیروی مستقیم و بلاواسطه تولید در می‌آید (لیوتار، ۱۳۸۱: ۲۵۴). در حال حاضر بشر در دنیایی زندگی می‌کند که گذشتگان حتی رؤیای آنرا نمی‌توانستند تصور کنند و هر روز عبارتی مثل جهان کوچک و دهکده جهانی در مکالمات روزانه مردم رد و بدل می‌شوند. این شرایط معلول انقلاب فناوری‌های حمل و نقل و ارتباطات است (Muray, 2006: 4). یکی از عوامل نیرومند ایجاد تحول در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم، همانا انقلاب اطلاعاتی و یکپارچه سازی فناوری‌های منفک همچون کامپیوتر، ارتباطات راه دور و تلویزیون در رسانه ای فراگیر به منظور تولید، انبارش و تبادل اطلاعات است (هال ۱۳۸۸: ۱۶) که یکی از نزدیکترین شاخص‌های بیانگر گذار به جامعه اطلاعاتی تحولات اشتغال است. کارکنان اطلاعاتی در دهه ۱۹۹۰ نسبتی بین ۳۵ تا ۵۰ درصد داشته‌اند (Castells, 1996: 301). جریانهای اطلاعاتی دو وجهی از دولت‌ها به شهروندان و از شهروندان به دولت‌ها برای هر دو حیاتی و امر مهمی است و شهروندان آگاه‌آمدگی بهتری برای در اختیار گرفتن فرصت‌ها، دسترسی به خدمات، کاربست حقوقشان، چانه زنی به شیوه موثر و حفظ روحیه پاسخگویی کنشگران دولتی و غیر دولتی دارند. همچنین دسترسی به اطلاعات مناسب درباره فرصتهای کار مزدی، خدمات عمومی قابل دستیابی، روش‌های مشخص محافظت از سلامت، روش‌های تولید مسکن و صور متغیر سیاسی نقش مستقیمی در بازماندگی خانوارهای فقیر دارد (Pacione, 2005: 589-590). بدون اطلاعات، فقرا توان کمتری برای کنش

فرایندها و ساختارهای رسمی به منظور دستیابی به منابع، خدمات و فرصتها است (Asian development bank, 2010: 10). رویکرد توانمندسازی که با رشد شهرنشینی و افزایش سکونتگاه‌های غیر رسمی در اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی بکار گرفته شد، مسأله سکونت غیر رسمی را در چارچوب رهیافت جامع‌تر تأمین مسکن مورد توجه قرار می‌دهد، به این مفهوم که تأمین مسکن برای اکثریت جمعیت شهری به صورتی کارآمد فقط از طریق رویکرد جامع توانمندسازی امکان‌پذیر است که شامل دسترسی به تأمین منابع مالی و اعتباری، زیرساخت‌های پایه و خدمات و به رسمیت شناختن تصرف و حق مالکیت آنها است. توانمندسازی از این دیدگاه، استفاده صرف از خزانه دولتی نیست بلکه ایجاد زمینه بهره‌گیری از توان و منابع محلی این جوامع در جهت بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی است. این رهیافت بر دیدگاه فقر زدایی و توسعه پایدار انسان محور با تکیه بر مشارکت شهروندان و مدیریت شهری متکی است (Friedmann, 1992: 59) در عین حال توانمند سازی باید به ظهور رهبریت در میان اجتماعات محلی بینجامد (Pal, 2008: 434).

تلاش‌های موفقیت آمیز به منظور توانمند کردن مردم فقیر باعث افزایش آزادی انتخاب و عمل آنها در بافتهای مختلف می‌شود. دسترسی به اطلاعات، مشارکت و شمول، پاسخگویی و ظرفیت سازمانی محلی چهار عنصر مشترک رهیافت توانمند سازی هستند (Narayan, 2002: 13-14).

دسترسی به اطلاعات: مارکس در گروندریسه می‌نویسد: درک انسان از طبیعت و سلطه وی بر آن به واسطه حضور وی به مثابه پیکره ای اجتماعی ... به

اعمال سلطه هر چه موثرتر و بیشتر بر طبیعت و انسان است (حقیقی، ۱۳۸۳: ۱۸۸).

مشارکت شهروندان فقیر در کلنی‌های فقر شهری و حاشیه‌های جدا افتاده از متن شهر، می‌تواند محمل کنش ارتباطی و کلامی، ورود به حوزه عمومی، شناخت فرهنگی متقابل و درک ذهنی شود. رهیافت توانمند سازانه به مردم فقیر همچون تولید کنندگان جمعی می‌نگرد که توانایی و قدرت کنترل بر تصمیمات و منابع حداقلی شان مخصوصاً منابع مالی را دارند و شهروند با کسب هویت از طریق این گفتگو به زیستگاه خود نیز هویت می‌بخشد (خضرای، ۱۳۸۱: ۵۶). مشارکت پایدار مردم فقیر در جوامعی با هنجارهای محکم محرومیت یا جوامع چند قومیتی با سابقه تضاد و ناسازگاری، فرایند پیچیده‌ای است که نیازمند مکانیسم‌های جدید، منابع، تسهیلات، آمادگی مداوم و آزمون و خطا است. مشارکت این افراد می‌تواند اشکالی مثل نمایندگی از طرف گروه‌ها و انجمن‌ها، نمایندگان منتخب سیاسی، اطلاعات-مبنا و یا مشارکت بر مبنای مکانیسم‌های بازار رقابتی باشد (Narayan, 2002: 19-20).

پاسخگویی: این اصل به توان به چالش کشیدن و سوال کردن از نهادهای دولتی که بودجه‌های عمومی را مصرف می‌کنند اشاره می‌کند، چرا که تصمیمات آنها رفاه مردم فقیر را تحت تاثیر قرار می‌دهد. رشوه خواری وسیع که به معنی استفاده نادرست از اموال عمومی در جهت منافع خصوصی است مردم فقیر را بسیار متاثر می‌کند. البته تقاضای پاسخگویی از طریق نظام قضایی صورت می‌گیرد که خود به چارچوب قانونی و سیاسی پشتیبانی کننده و حمایت کننده نیازمند است (Asian development bank, 2010).

موثر خواهند داشت. انتشار اطلاعات فقط به معنی واژگان نوشته شده نیست بلکه شامل بحث‌های گروهی، شعر، داستان سرایی، بحث‌ها، تئاتر خیابانی، سخنرانی‌های خیابانی و شکل‌های دیگری که مناسبت فرهنگی دارند و بکارگیری رسانه‌های مختلف نظیر رادیو، تلویزیون و اینترنت می‌شود (Narayan, 2002: 19). فرانسوا لیوتار در کتاب "وضعیت پست مدرن: گزارشی درباره دانش"، می‌گوید که اطلاعات را به صورت آزاد و در همه جای دنیا در اختیار همه قرار دهید (Lyotard, 1999) زیرا تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات (ICT) می‌تواند نقش‌های مهمی در ارتباط مردم فقیر با خدمات دولتی داشته باشند.

مشارکت و شمول: یکی از عناصر کلیدی رهیافت توانمند سازی، مشارکت افراد و گروه‌های فقیر در جریان سیاست و تصمیم گیری در جامعه شهری ارگانیک است. مشارکتی که براساس گفتگوی دو جانبه شکل می‌گیرد و شهروند با کسب هویت از طریق این گفتگو به زیستگاه خود نیز هویت می‌بخشد و باعث ورود آنها به حوزه عمومی می‌شود (خضرای، ۱۳۸۱: ۵۶). طرفداران اندیشه انتقادی و مکتب فرانکفورت معتقد هستند که این حوزه به شدت زیر سلطه عقلانیت ابزاری، شیء گشتگی مدرن و علوم اثباتی، روبه افول گذاشته است که مبنایی را برای ساخت شکنی و خردستیزی اندیشمندان پست مدرن چون ژاک دریدا، میشل فوکو، ژان فرانسوا لیوتار، دیوید هاروی، مک کارتی و ... فراهم آورده است. تعقل ابزاری- استراتژیک از منظر فوکو و هابرماس تعقلی است که هدف و موفقیت آن در

کردن دارایی‌های غیر رسمی فقرای شهری موضوع محوری در ساماندهی آنهاست (Gelder, 2010: 449) سازمانهای مردم فقیر اغلب غیر رسمی هستند مانند گروههای زنانی که به همدیگر پول یا برنج قرض می دهند. این گروهها می توانند با ثبت قانونی و یا بدون آن شکل رسمی به خود بگیرند مانند گروههای کشاورزان یا کلوبهای همسایگی. این گروهها باعث ظرفیت سازی اجتماعات محلی فقیر و بهره مندی از توانایی همدیگر برای جبران کمبودهای مالی و غیر مالی می شود. این ظرفیت سازی شبیه آن چیزی است که اقتصاد دانان آنرا صرفه جویی‌های خارجی تولید عنوان می کنند. یعنی همچنان که بعضی از بنگاهها از توان و ظرفیت فنی و تولیدی بنگاه دیگر استفاده می کنند تا هزینه‌های خود را پایین آورند ظرفیت سازمانی اجتماعات محلی نیز چنین نقشی در بعد اجتماعی بازی می کند که پیامد آن از منظر نظریه بازی، وضعیت برد-برد برای گروههای اجتماعی فقیر خواهد بود. (شکل ۱)

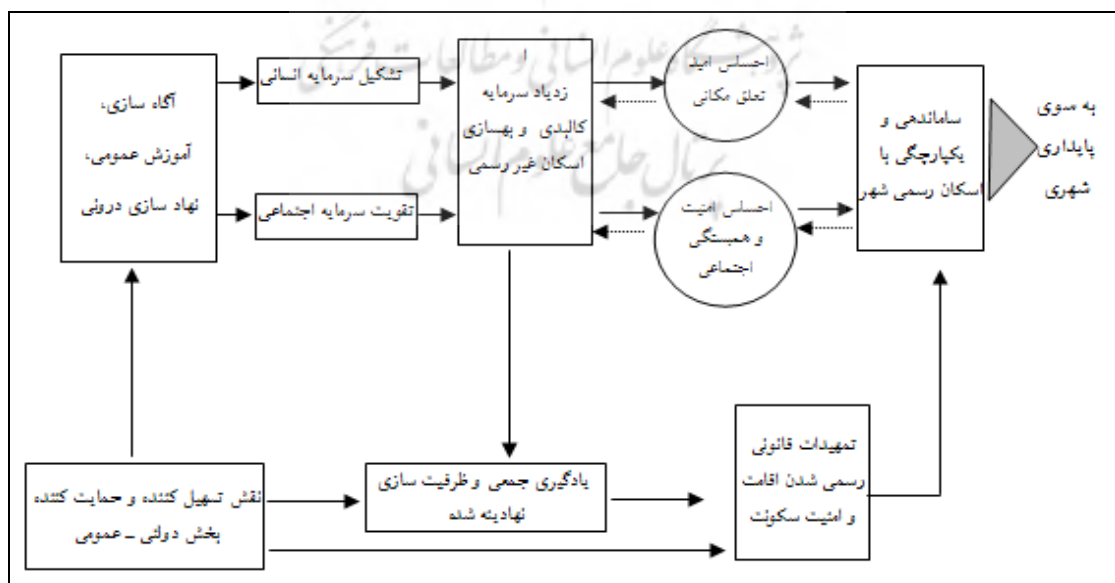
59). سه نوع مکانیسم اصلی پاسخگویی وجود دارد که عبارتند از:

- پاسخگویی سیاسی توسط احزاب و نمایندگی‌های سیاسی منتخب از طریق انتخابات؛

- پاسخگویی اداری توسط عاملان دولتی از طریق مکانیسمهای پاسخگویی داخلی؛

- پاسخگویی عمومی و یا اجتماعی که مکانیسمهای این نوع پاسخگویی نهادهای دولتی را در برابر شهروند ان پاسخگو نگاه می دارد. (Narayan, 2002: 21).

ظرفیت سازمانی محلی: این موضوع به توانایی مردم برای کارکردن با همدیگر، سازماندهی و تحرک منابع برای حل مسائل و مشکلات عمومی اشاره دارد. بنا به تعریف کلی، ظرفیت اجتماع محلی، دارایی‌های مالی، کالبدی و اجتماعی را در بر می گیرد که تشکیل نوعی سرمایه اجتماعی اتصالی و به هم پیوستگی بوجود می آید و کمیسیون عالی توانمند سازی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۶ اشاره می کند که قانونی



شکل ۱- چارچوب نظری توانمندسازی اسکان غیر رسمی مأخذ: صرافی، مظفر، ۱۳۸۱

۳- یافته‌های پژوهش

۳-۱- تکنیک سوات و کاربرد آن در توانمندسازی

اسکان غیر رسمی

برنامه‌ریزی شهری به سبب ماهیت بین بخشی خود در استفاده از سایر علوم در زمینه مطالعات شهری، تحلیل، طراحی و ارائه برنامه از روشها و مدل‌های اقتصادی، جمعیت‌شناختی، ریاضیات و... استفاده می‌کند. در رویکرد این تحقیق، از تکنیک SWOT که از علم مدیریت به عاریت گرفته شده برای تحلیل مسائل و مشکلات ناحیه مورد مطالعه استفاده شده است. تکنیکی ساده و در عین حال جامع برای تحلیل ساختار یک پدیده. SWOT تکنیکی است برای شناسایی نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیداتی که یک مجموعه با آن روبرو است این روش شامل شناخت سیستماتیکی از عوامل فوق است که راهبردها باید بیشترین سازگاری را با آنها داشته باشند (صحرائیان، ۱۳۸۲: ۶۲)

تکنیک SWOT یک ابزار برنامه‌ریزی تحلیلی و استراتژیک است که اغلب در زمینه برنامه‌ریزی مشارکتی استفاده می‌شود. خروجی‌های آنالیز SWOT می‌تواند اطلاعات اساسی را نظم بخشیده و یک درک عمومی از واقعیت و مجموعه‌ای از راه‌های استراتژیکی عمومی را ارائه دهد. دو عنصر اصلی SWOT عبارتند از:

الف: شاخص‌های وضعیت درونی که به وسیله نقاط قوت و ضعف موجود نشان داده می‌شوند. یک نقطه قوت به هر نوع دارایی درونی شناخته شده، فن‌آوری، انگیزه و روحیه فعالیت، ارتباطات مالی و شغلی و غیره اطلاق می‌شود که می‌توان در زمینه ایجاد فرصتها و کاهش تهدیدها کمک کند و یک ضعف، شرایط داخلی یا هر نوع نقص درونی است که وضعیت رقابتی یک منطقه را به مخاطره می‌اندازد یا ایجاد فرصتها را با مشکل مواجه می‌کند.

ب: شاخص‌های محیط خارجی که به وسیله تهدیدهای موجود و فرصت‌های مغفول یا کشف نشده شناخته می‌شوند. یک فرصت، هر نوع شرایط یا ویژگی محیط خارجی هستند که از امتیازات رقابتی منطقه حمایت می‌کند و یک تهدید، چالش در برابر رفتارهای نامطلوب یا هر نوع شرایط خارجی که به صورت نامساعدی بر وضعیت منطقه تأثیر خواهد گذاشت (Luvic, 2003: 3)

آنالیز SWs (قوت‌ها - ضعفها) و OTs (فرصت‌ها - تهدیدها)، شکل‌بندی اهداف مقدماتی، استراتژی توسعه و یک رتبه‌بندی مقدماتی از اقداماتی را به دست می‌دهد که دستیابی به اهداف کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت را تسهیل می‌کند (Ibid:6).

روش تحلیل SWOT حداقل به سه طریق در تصمیمات مربوط به انتخاب راهبرد مورد استفاده قرار می‌گیرد:

الف - عمومی‌ترین کاربرد روش SWOT، فراهم آوردن چهارچوبی منطقی برای هدایت سیستماتیک موقعیت‌ها، راهبردهای مختلف و در نهایت، انتخاب راهبرد است.

ب - دومین کاربرد این روش در این است که فرصت‌های کلیدی خارجی و تهدیدات به طور سیستماتیک با نقاط قوت و ضعف درونی در یک رویکرد ساختاری مقایسه می‌گردند.

پ - سومین کاربرد تحلیل به روش SWOT این است که تحلیل بر همه جنبه‌های موقعیت تسری دارد و در نتیجه چهارچوبی پویا و کارآمد برای انتخاب استراتژی ارائه می‌کند.

در اجرای راهبردهای SOs (نقاط قوت و فرصت‌ها) هدف این است که با استفاده از نقاط قوت داخلی از فرصتهایی که در خارج از مجموعه ولی در ارتباط با آن وجود دارد استفاده شود. هدف راهبردهای WOs (نقاط ضعف و فرصت‌ها) این است

خارجی است، زیرا وجود نقاط ضعف داخلی و تهدیدات بسیار زیاد محیط خارجی، موضعی بسیار مخاطره آمیز را به وجود می‌آورد. هنگامی که برنامه‌ریز از ماتریس تهدیدات، فرصت‌ها، نقاط قوت و نقاط ضعف استفاده می‌کند مسأله مهم این است که از راهبردهای بسیار خاص استفاده نماید نه راهبردهای کلی یا عمومی (صحرایان، ۱۳۸۲: ۵۲).

که با استفاده از فرصتهای موجود در محیط خارج از مجموعه، از نقاط ضعف داخلی کاسته شود. در اجرای راهبردهای STs (نقاط قوت و تهدیدات) هدف، جلوگیری از تأثیرات تهدیدات موجود با استفاده از نقاط قوت درونی است. هدف از اتخاذ راهبردهای WT_s (نقاط ضعف داخلی و تهدیدات) کم کردن نقاط ضعف داخلی و پرهیز از تهدیدات ناشی از محیط

جدول ۲- ماتریس تهدیدها، فرصت‌ها، نقاط ضعف و نقاط قوت

تهدیدات (Threat)	فرصتها (Opportunity)	
استراتژی‌های ST _s برای جلوگیری از تأثیر تهدیدات با استفاده از نقاط قوت	استراتژی SO _s با استفاده از نقاط قوت از فرصتها بهره‌برداری می‌شود	نقاط قوت (Strength)
استراتژی WT _s پرهیز از تهدیدات و نقاط ضعف	استراتژی WO _s با بهره‌جستن از فرصتها نقاط ضعف کاهش می‌یابد	نقاط ضعف (Weakness)

مسکن بر اساس قراردادهای عرفی و پذیرفته شده محلی اشاره کرد.

ساختار اجتماعی و فرهنگی: وجود حس مشارکت جمعی در میان مردم، وجود جمعیت جوان و جویای کار و تقریباً باسواد، وجود نهادهای محلی و رهبری محلی، وجود تشکیلات محلی زنان، شکل‌گیری واحدهای همسایگی و ارتباطات صمیمی، وجود حسن اعتماد در همسایگان نسبت به یکدیگر، وجود یک هویت درونی جمعی حاشیه‌ای در میان ساکنان شهرک گلشهر، احساس امنیت و همبستگی اجتماعی، احساس امید و تعلق مکانی، سرمایه انسانی، گرایش به آموزش عمومی و استفاده از توان‌های نیروی انسانی از نقاط قوت این ناحیه در بخش اجتماعی و فرهنگی است.

ساختار اقتصادی: سازماندهی سستی نیروی شاغل غیررسمی، علاقمندی به کار در شغل‌های سخت، روحیه درآمد زایی قانونی، تمایل به اشتغال حتی در شغل‌های بسیار پایین اجتماعی؛

ساختار زیست محیطی: وجود شیب‌های طبیعی مناسب در ناحیه برای هدایت آب‌های سطحی، سازندهای مناسب زمین ساختی برای احداث شبکه

- تحلیل نقاط ضعف، قوت، فرصت‌ها و تهدیدهای اسکان غیر رسمی ناحیه گلشهر در بررسی‌های جامع محیط درونی و بیرونی شهرک گلشهر که عمدتاً بصورت مشاهدات میدانی، مصاحبه با مردم، اخذ نظر کارشناسان و تکمیل پرسشنامه صورت گرفته نقاط ضعف و قوت و فرصتها و تهدیدات صورت‌برداری شده است که با توجه به تکنیک سوات در دو بخش عوامل درونی شامل نقاط ضعف و قوت و عوامل بیرونی شامل تهدیدات و فرصت‌ها ارائه می‌گردد.

الف: عوامل داخلی

- نقاط قوت

ساختار کالبدی: از تحلیل کلان داده‌های جمع آوری شده در بخش نقاط قوت ساختار کالبدی ناحیه گلشهر می‌توان به دوام نسبی ساختمان‌های مسکونی، استفاده از مصالح ساختمانی آجر و آهن در ساخت اکثر واحدهای مسکونی، وجود زیرساخت‌های اساسی و خدماتی همچون شبکه آب، برق، تلفن، خیابان شریانی، قرارگیری ناحیه در درون محدوده قانونی شهر بعد از طرح تفصیلی سال ۱۳۷۲، مالکیت زمین و

اقتصادی با اقتصاد شهری وعدم فعالیت در کارهای تولیدی مناسب از نقاط ضعف اقتصادی ناحیه است.

ساختار زیست محیطی: بهداشت نامناسب محیط محله، وجود گنداب‌های سطحی در محله و عدم وجود سیستم دفع آبهای سطحی، نبود چاه‌های جذبی دفع فاضلاب، دفع نامناسب فاضلاب شهری به وسیله کانال‌های روباز، ظرفیت کم کانال‌های انتقال دهنده فاضلاب شهری و آب‌های سطحی از نقاط ضعف جدی ناحیه مورد مطالعه است.

ب: عوامل بیرونی

- تهدیدات موجود

ساختار کالبدی: عدم اقدام ساکنان محله نسبت به اخذ سند رسمی، فقدان و کمبود شدید فضاهای باز عمومی، رعایت نشدن عامل برنامه‌ریزی دموکراتیک فضاهای باز، واحدهای همسایگی مختلط، فضاهای آمایش نیافته و بایر خالی و توده‌های واحدهای مسکونی بدون رعایت معیارهای فنی از جمله تهدیدات کالبدی این ناحیه هستند.

ساختار اجتماعی و فرهنگی: ترک تحصیل جمعیت محصل محله به ویژه ترک تحصیل پسران، رشد و گسترش ناهنجاریهای اجتماعی، درگیریهای قومی و قبیله‌ای به دلیل حضور بالای افغانه، عدم دسترسی جوانان به گذران اوقات فراغت، بالا بودن جمعیت مهاجران افغانی و مشکلات ناشی از حضور آنها از جمله تهدیدات جدی حاکم بر ساختار اجتماعی و فرهنگی ناحیه است.

ساختار اقتصادی: رشد میزان بیکاری جمعیت محله به ویژه جمعیت جوان محله، افزایش فعالیت‌های غیررسمی مضر اجتماعی، نبود امکانات فراگیری فعالیت‌های حرفه‌ای و فنی، اشتغال کودکان و نوجوانان در فعالیت‌های جمع‌آوری ضایعات و نان خشک، نرخ بیکاری بسیار زیاد جمعیت فعال محله از جمله تهدیدات اقتصادی این ناحیه است.

فاضلاب، وجود شبکه سنتی فاضلاب و امکان بهبود آن از جمله نقاط قوت محیط گلشهر در زمینه زیست محیطی است.

- نقاط ضعف

ساختار کالبدی: فرسوده بودن شبکه‌های زیر ساختی آب و فاضلاب، پوشش نامناسب معابر اصلی کوچه‌های محله، عدم دسترسی مناسب واحدهای مسکونی به شبکه آب، فاضلاب علی‌رغم وجود شبکه‌های زیربنایی، عدم دسترسی مناسب به فضاهای تفریحی و پارک محلی مناسب و کمبود شدید مراکز خدمات عمومی (آموزشی، بهداشتی، فرهنگی و ...) در ناحیه، سرانه مسکونی پایین، تراکم زیاد نفر و خانوار در واحد مسکونی، تراکم زیاد نفر در اتاق، پایین بودن متوسط مساحت قطعات زمین مسکونی و زیربنا، عدم وجود مالکیت قانونی و رسمی و عدم اخذ گواهی پایان ساخت در اکثر واحدهای مسکونی و عدم تلاش جدی در مسئولان برنامه‌ریزی شهر جمعیت بهبود ساختار کالبدی از جمله نقاط ضعف ناحیه در بخش کالبدی است.

ساختار اجتماعی و فرهنگی: نرخ بالای رشد جمعیت و باروری زنان، نرخ بالای بی‌سوادی و تحصیلات پایین جمعیت بی‌سواد، نرخ بالای ترک تحصیل، بعد خانوار گسترده و ضعف آموزش‌های بهداشتی و درمانی و کنترل خانوار، پایین بودن فرهنگ شهرنشینی و شهروندی و تداوم فرهنگ روستایی از ویژگی‌های این ناحیه به عنوان نقاط ضعف اجتماعی و فرهنگی است.

ساختار اقتصادی: عدم مهارت و تخصص نیروی شاغل محله و عدم وجود نوآوری شغلی در سطح محله و اشتغال جمعیت شاغل در شغل‌های پایین اجتماعی، اشتغال در بخش غیررسمی، پایین بودن سن قانونی نیروی شاغل، ضعف مالی خانوارها، پایین بودن میزان دستمزدها و قدرت خرید، عدم سنخیت

آموزش جمعیت‌نظیر کانون نیکو، امکان یادگیری جمعی اعتقادات و ارزش‌های مذهبی و پرهیز از خلاف و عدم گرایش جدی به بزهکاری، امکان استفاده از سرمایه‌های به هم پیوستگی بین گروه‌های مختلف، امکان استفاده از سرمایه‌های اتصالی درون گروه‌های مختلف، ارزش بالای خانواده به عنوان رکن اساسی نظم اجتماعی، زمینه لازم برای فرهنگ‌سازی گسترده از نکات ارزنده و فرصت خوب محیط برای توانمندسازی است.

ساختار اقتصادی: حمایت دولتی از تشکیل صندوق‌های خرده وام، وجود کارگاه‌های آموزش رایگان اشتغال، احراز هویت رسمی و پرداخت وام اشتغال از طرف دولت، امکان آموزش در راستای کسب درآمد بدلیل جوان بودن نیروی کار، امکان باز پرداخت وام، امکان تشکیل صندوق‌های خرده وام محلی و تجمع درآمد‌ها، امکان تشکیل تعاونی‌های کوچک مقیاس خودیار محلی، قابلیت عرضه صنایع دستی و خانگی در مناطق ویژه کسب و کار، نیروی اقتصادی جمعی خانوادگی و امکان ساماندهی آن و امکان استفاده از نیروی آماده به کار محله در فعالیت‌های ساماندهی و توانمندسازی نیز از جمله فرصت‌های موجود در زمینه اقتصادی است.

ساختار زیست محیطی: طرح احداث شبکه فاضلاب توسط مدیریت شهری، انتخاب محله به عنوان محله اجرای پروژه شهر سالم، آموزش رایگان بهداشت محیط و بهداشت شخصی نیز از فرصت‌های زیست محیطی ناحیه حکایت دارد

با استفاده از صورت برداری از نقاط ضعف و قوت و تهدیدات و فرصت‌ها، ماتریس نهایی برای انتخاب استراتژی‌های مناسب ساماندهی این ناحیه اسکان غیر رسمی تشکیل شده است (جدول ۴).

ساختار زیست محیطی: رها شدن فاضلاب خانگی در برخی معابر، افزایش بیماری‌های عفونی، آلودگی صوتی ناشی از عبور ترافیک گذری، نبود چاه‌های جذبی دفع فاضلاب شهری، کمبود شدید فضای سبز، همجواری کاربری‌های ناسازگار و محیط مساعد رشد بیماری‌های انگلی نظیر وبا به دلیل نامناسب بودن آب آشامیدنی را نیز می‌توان از تهدیدات زیست محیطی این ناحیه برشمرد.

- فرصت‌های موجود

ساختار کالبدی: تمایل نهادهای مدیریت شهری به ساماندهی محله، پذیرش حق مالکیت زمین و مسکن بعد از طرح تفصیلی ۷۲، توجه بخش دولتی در سطح ملی نسبت به حل معضل کالبدی اسکان غیررسمی و حمایت کمیته تخصصی اسکان غیررسمی از این موضوع، وجود پارک بزرگ در ناحیه، قرارگیری در تقاطع کمربندی‌های صدمتری و بزرگراه ۷۵ متری رضوی، امکان برپایی بازارهای محلی و عرضه محصولات خانگی و دستی، امکان ساماندهی کاربری‌های غیر همساز و امکان تصرف املاک بدلیل پایین بودن میزان قیمت زمین شهری، امکان ارتباط سریع با تمام نقاط شهر مشهد با استفاده از توان بالقوه انتقال سریع ترافیک ناحیه به وسیله بزرگراه‌های فوق، امکان استفاده از ظرفیت‌های خالی زمین شهری و به عبارتی فروش شهر و فشرده کردن مطلوب فضا و آمایش زمین‌های خالی، امکان برپایی مناطق ویژه کسب و کار از جمله فرصت‌های کالبدی موجود در ناحیه گلشهر برای توانمندسازی است.

ساختار اجتماعی فرهنگی: کمک سازمان‌های بین‌المللی به فعالیت‌های توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی، وجود کتابخانه‌ها و فرهنگسراهای دولتی و عمومی، حمایت بخش دولتی از فعالیت‌های فرهنگی، فعالیت‌های سازمان‌های دولتی و غیردولتی در جهت

جدول ۴- تحلیل توانمند سازی گلشهر بر پایه الگوی SWOT

عوامل درونی	عوامل بیرونی	سکونتگاه	ارتباط
نقاط قوت (S)	نقاط ضعف (W)	دوام نسبی ساختمانها و وجود زیرساختهای اساسی وجود حس مشارکت جمعی بر اساس مشاهدات میدانی وجود حس اعتماد در بین همسایگان بر اساس نظرسنجی سازماندهی سنتی نیروی شاغل غیر رسمی وجود شیبهای طبیعی مناسب در ناحیه برای هدایت ابهای سطحی نیروی اقتصادی جمعی و خانوادگی	هزینه کمتر ساماندهی و توانمند سازی امکان بهره گیری از پتانسیل نیروی کار ارتقاء سرمایه اجتماعی بهره گیری از توانمندی‌های زنان طراحی و برنامه ریزی کالبدی مناسب استفاده از ایده اقتصاد خانگی
فرصتها (O)	تهدیدات (T)	تراکم زیاد نفر و خانوار در واحد مسکونی پایین بودن مساحت قطعات عدم مالکیت قانونی و رسمی واحدهای مسکونی نرخ بالای رشد جمعیت و باروری زنان عدم مهارت و تخصص نیروی شاغل محله ضعف بنیان اقتصادی خانوارها	فقر و در آمد کم وقوع اختلافات همسایگی ناتوانی در پرداخت وام‌های دولتی
نقاط قوت (S)	نقاط ضعف (W)	تمایل نهادهای مدیریت شهری به ساماندهی محله توجه دولت به موضوع ساماندهی اسکان غیر رسمی وجود کتابخانه‌ها و فرهنگسراهای عمومی کمک سازمانهای بین المللی به فعالیتهای توانمند سازی قابلیت عرضه صنایع دستی در نواحی ویژه کسب و کار امکان تشکیل تعاونی‌های کوچک مقیاس محلی حمایت دولت از تشکیل صندوق‌های خرده وام محلی طرح احداث شبکه فاضلاب توسط مدیریت شهری انتخاب محله به عنوان محل اجرای پروژه شهر سالم	امکان حل و فصل مشکلات حقوقی ارتقا سطح فرهنگی ناحیه شکل گیری روحیه مشارکت ارتقاء سطح بهداشت عمومی امکان به رسمیت شناختن
فرصتها (O)	تهدیدات (T)	برنامه ریزی و طراحی نامناسب فضاهای باز توده‌های واحدهای مسکونی بدون رعایت اصول فنی درگیریهای قومی و قبیله ای بدلیل حضور افغانه عدم دسترسی جوانان به مکانهای مناسب گذران اوقات فراغت نرخ بالای بیکاری و بالا بودن تعداد مهاجر افغانی زمینه افزایش جرایم اجتماعی به دلیل شغلهای کاذب همجواری کاربری‌های ناسازگار بهداشت نامناسب محیط و دفع نامناسب فاضلاب شهری	افزایش مشکلات ساماندهی عدم امنیت ساکنان در مکانهای عمومی شکل گیری خلوتگاه و زمینه بزهکاری شغلهای کاذب و بزهکاریهای اجتماعی ناامنی اجتماعی هزینه‌های بالای طراحی کالبدی شیوع بیماریهای عفونی و انگلی

ماخذ: بررسی‌های میدانی نگارندگان

۴- نتیجه گیری

شرایط را برای بروز این توانایی‌ها فراهم آورد. بنابراین، استفاده از سرمایه‌های اجتماعی (سرمایه به هم پیوستگی و سرمایه اتصالی) و سرمایه کالبدی (شرایط زیرساختی، عناصر فیزیکی نظیر پارک و ...) می‌تواند ارتقاء وضعیت اجتماعی اقتصادی را فراهم آورد. اوج گرفتن آنچه که این روزها «پارادایم فروش شهر» گفته می‌شود، می‌تواند شهرک گلشهر را بیشتر بازار پسند کرده و شرایط کالبدی را بهبود بخشد.

رواج الگوی فرهنگ استحقاق و بی‌بندوباری، حس بی‌خیالی را جایگزین حس «تعهد به پیشرفت» می‌نماید و از بین رفتن کمال و کرامت انسانی را در

ظرفیت‌ها و پتانسیل‌هایی که خود ساکنان سکونتگاههای غیررسمی دارند در صورت فراهم شدن امکان ظهور و بروز این توانایی‌ها، می‌تواند در بهبود وضعیت اجتماعی اقتصادی و شرایط کالبدی مؤثر باشد. این توانایی‌ها فرصت‌هایی هستند که هر برنامه‌ریز باید از آنها به عنوان سرمایه‌هایی در راستای پایداری توسعه شهری استفاده نماید. ایجاد مکان‌هایی برای عرضه صنایع دستی، صنایع پوشاک، تعمیر لوازم خانگی، فعالیت‌های تعاونی همسایگی و صندوق‌های خرده وام همراه با چتر حمایتی اولیه دولت، می‌تواند

- ساخت یا ساماندهی امکانات محله‌ای چون مهد کودک‌ها، خانه‌های بهداشت؛

- بهبود کالبدی وضعیت مسکن با ارائه تسهیلات بلند مدت و ارائه ایده‌های بدیع معماری؛

- ارتقا و ساماندهی شبکه دسترسی‌های محله‌ای و بین محله‌ای؛

- ایجاد فضاهای باز عمومی برای تقویت سرمایه اجتماعی ساکنان از طریق روابط همسایگی رو در رو؛

- آمایش فضاهای خالی و بدون استفاده در حاشیه‌های شهری؛

- طراحی و برنامه ریزی در بستر فرهنگی و معنی شناختی ساکنان به منظور تقویت حس تعلق خاطر مکانی و استفاده از عناصر مونومانتال؛

در زمینه توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی

- اصلاح مقررات بازار مسکن و زمین با ساماندهی قانونی خرید و فروش و آموزش بنگاه داران؛

- دسترسی به منابع اعتباری خرده وام به ویژه برای شاغلین در بخش غیررسمی؛

- برپایی مناطق ویژه کسب و کار با معافیت‌های مالی به ویژه به منظور تجمیع بخش غیررسمی

- توجه ویژه به حقوق زنان و کودکان و فعال نمودن آنها در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی؛

- زمینه‌سازی و تشویق بخش خصوصی در عرضه واحدهای مسکونی ارزان قیمت و اعطای وام بهسازی مسکن و برقراری بیمه کامل سرمایه گذاری‌ها به کاهش ریسک بازگشت سرمایه؛

- برقراری سازوکارهای مشخص برای حل اختلاف حقوق مسکن و اقامت در برابر حق مالکیت خصوصی و عمومی؛

- توافق در جابجایی‌های ناشی از ساماندهی اسکان غیررسمی؛

- تاکید بر پروژه‌های آموزش حرفه ای و کاریابی، مراکز راهنمایی بهداشتی و تنظیم خانواده، مهد کودک و احداث فضای جمعی در این نوع سکونتگاه‌ها؛

این پروسه نیازمندی به فراموشی می سپارد. ماهیت جامع توانمندسازی هم از شناخت مسئولیت، پاسخگویی، مشارکت داوطلبانه (سرمایه اجتماعی) و هم مکان- مبنا بودن آن نشأت می‌گیرد. به بیان دیگر بعد فضایی توانمندسازی، حس اجتماع و مکان را تقویت می‌نماید. راهبرد توانمندسازی بر خلاف استحقاق، گذار از تلقی مردم به عنوان یک مسأله (نیاز) به سمت نگرش به آنها به عنوان راه‌حل (دارایی) را بیان می‌کند و در عین حال نقشی فعال برای شهروندان متصور است تا جایگزین نقش در حال کاهش دولت در امور محلی شود. حفظ کرامت انسانها، باعث حفظ شخصیت آنها و در نتیجه باعث برانگیخته شدن حساسیت آنها به سرنوشت‌شان خواهد شد و این موضوع می‌تواند از بسیاری از آسیب‌های اجتماعی و حتی شورش‌های شهری جلوگیری نماید. بنابراین، با این رویکرد در راستای توانمندسازی و با عنایت به نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدات ناحیه گلشهر سیاست‌ها و برنامه‌هایی پیشنهادی به شرح ذیل ارائه شده است.

۵- پیشنهادها

در زمینه کالبدی

- تامین امنیت اقامت و به رسمیت شناختن حق سکونت برای ایجاد حس مالکیت برای بهسازی؛

- تشریک مساعی با ساکنین در احداث و ارتقای شبکه زیر بنایی و خدمات رسانی؛

- پژوهش و تحقیق در نوآوری‌های سازمانی (مانند ضمانت اجتماعی در بازگشت وام) و فن آوری ساختمانی مناسب اجتماعات تهیدست همانند ساختمانهای پیش ساخته و یا 3D Panel های ارزان؛

- بهبود بخشیدن به وضعیت تاسیسات زیر ساختی پایه مانند شبکه آبرسانی، بهداشت، شبکه حمل و نقل، برق و روشنایی معابر؛

- ایجاد حس همکاری جمعی برای مشارکت در بهداشت محیط برای کاهش خطرات زیست محیطی؛

صحرایان، امیر، (۱۳۸۲)، بکارگیری رهیافت توانمند سازی و ارتقای محیطی در سکونتگاه‌های غیر رسمی، نمونه موردی: محله جعفر آباد کرمانشاه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی

صرافی، مظفر، (۱۳۸۱)، مسأله‌ای به نام اسکان غیر رسمی، راه حلی به نام توانمندسازی؛ شهرداریها، سال ششم، شماره ۶۸.

صرافی، مظفر، (۱۳۸۱)، به سوی نظریه ای برای ساماندهی اسکان غیر رسمی: از حاشیه نشینی تا متن شهرنشینی، سال سوم، شماره هشتم

لیوتار، ژان فرانسوا، (۱۳۸۱)، وضعیت پست مدرن؛ گزارشی درباره دانش، ترجمه حسینعلی نوذری، نشر گام نو.

هال، پیتر، اولریخ، فایفر، (۱۳۸۸)، آینده شهری قرن بیست و یکم، ترجمه اسماعیل صادقی و ناهید صفایی، انتشارات جامعه مهندسين مشاور ایران.

Asian Development Bank (2010), access to justice for the urban poor toward inclusive cities.

Bane, R. and Rawal, A. ; Slums-a case study of Anand city; 2002; available at: www.lboro.ac.uk/wedc/papers

Castells, M. (1996), the information age; economy, society and culture, Blackwell press

Fanni, Z. (2006), Cities and urbanization in Iran after Islamic revolution, available at: www.elsevier.com/locate/cities

Francois, I. J. (1999), the postmodern condition; a report on knowledge, Minnesota university press.

Friedmann, J. (1992), the politics of alternative development, Cambridge, Blackwell.

Luvic, Z. (2007), SWOT methodology and regional planning, available at: www.Zrc-sazu.si/lgs/SWOT.

Narayan, D. (2002), Empowerment and Poverty reduction; a source book, the World Bank press.

Pal, A. (2008), political space for the civil society: the work of two community-based organization in Kolkata, Habitat international, No.32. pp.424- 436

Thorns, D. C. , The Transformation of cities urban theory and urban life ; 2002; PALGRAVE; MCMILLAN.

-تدارک اقدامات تشویقی در جهت مدیریت و نگهداری اجتماع محلی؛

-آموزش دموکراسی شهری از طریق دموکراتیک کردن فضاهای باز عمومی به منظور بالا بردن آستانه تحمل جمعیت ساکن به دلیل اختلاط قومیتها و جمعیتهای متفاوت؛

-دستیابی به فرصت‌های درآمدزا از طریق آموزش حرفه ای و پرداخت خرده وام.

منابع

احمدیان، محمدعلی، (۱۳۷۷)، حاشیه‌نشینی؛ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال سی و یکم، شماره اول و دوم.

پیران، پرویز، (۱۳۶۷)، آلونک نشینی در تهران؛ مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره بیست و سوم

جوان، جعفر، (۱۳۸۲)، نگرشی بر نحوه ساماندهی حاشیه کلان شهرها؛ نمونه: کلان شهر مشهد، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره اول.

حاج‌یوسفی، علی، (۱۳۸۱)، پدیده حاشیه نشینی شهری و فرایند تحول آن، فصلنامه هفت شهر، سازمان عمران و بهسازی شهری، شماره هشتم

حسین‌زاده دلیر کریم، (۱۳۶۱)، حاشیه نشینان تبریز، انتشارات دانشگاه تبریز.

حقیقی، شاهرخ، (۱۳۸۷)، گذار از مدرنیته؟ نیچه، فوکو، لیوتار، دریدا، نشر آگه

خضرای، فرزین، (۱۳۸۱)، توانمندسازی در اسکان غیر رسمی؛ تجربه زاهدان؛ هفت شهر، سال سوم، شماره هشتم.

سن، آمارتیا، (۱۳۷۹)، برابری و آزادی، ترجمه: فشارکی، حسن، تهران، موسسه نشر و پژوهش شیرازه

شکویی، حسین، (۱۳۵۴)، حاشیه نشینان شهری؛ خانه‌های ارزان قیمت و سیاست مسکن تبریز، موسسه تحقیقات علوم انسانی دانشگاه تبریز

The analysis of the capability of using empowerment strategy in regularization of informal settlements case study informal settlement area of Golshahr; Mashhad

I. Piri, N. Zali, A.A. Taghiloo

Received: June 06, 2010/ Accepted: August 13, 2011, 27-29 P

Extended abstract

1-Introduction

Marginalization or as today interpretation informal settlement is the outcome of rapid urbanization and transition to socio – economic paradigm of industrialization while urbanization is the prominent spatial form and parallel with socio – economical aspect of this paradigm. In the past decades from the beginning of information society this phenomenon is so developed as if there is a commitment to its eternity and reproduction. In the past decades along with doing programs and plans of functionalistic and linear socio – economic development, with liberalist sight, everybody expected to resolve problems through hidden hand of market and laissez fair

and in this periods specially in 1950 and 1960 decades damage strategy or transition to public house was considered.

With critique of this strategy in the late 1960 and early 1970 decade the strategy of site and service was uttered by some bodies such as Turner by neglecting local community subjects such as social and physical capital of settlers this plan also failed and caused the colony transition of poverty and marginalization.

2- Theoretical bases

From the 1980 decade through the agency of world bank for the purpose of regularization of informal settlements sees people settled in this settlements not as a problem but as asset and upgrading of their socio – economic situation has become their own responsibility while the government makes it easier for them so that empowerment replaces the entitlement and poverty culture.

Author (s)

I. Piri (✉)

PH.D of Geography and Urban Planning, University of Tabriz,
Tabriz, Iran
e-mail: isapiry@yahoo.com

N. Zali

Assistant Professor of Geography and Urban Planning, University of
Gilan, Rasht, Iran

A.A. Taghiloo

PH.D of Geography and Rural Planning, Ferdowsi University Of
Mashhad (FUM), Mashhad, Iran

3- Discussion

Mashhad has a special characteristic between the world and Iran's cities. This characteristic has made it as the first religious metropolitan in the world. It is the largest city in east of the country with the highest population rate and highest ratio of Iran tourism in all of the country. Mashhad with a population of 2.427 million in 2006 has been the largest metropolitan of the country after Tehran. This city during 1976 to 2006 has the highest rate of population growth between countries metropolitan after Karaj while the great share of this growth has restricted to its margin. That has 200 km² spaces; it has six hundred and fifty thousand populations in seven city quarter and two hundred and thirteen villages. Golshahr, placed on east north of Mashhad with 34650, population (2006) which were mostly Afghans is one of this marginalization quarter of the city. Although it is placed inside the comprehensive plan from 1993, its socio-economic and physical indices are not in a good condition.

4- Conclusion

Using of SWOT method this article analyzed the capabilities of empowerment strategy in regularization of the mentioned area. It has analyzed the strengths and weakness as well as treats and opportunities of structural factors in physical, cultural- social, economical and bioenvironmental dimensions. The results show indicative that this strategy with emphasis on potentials and capabilities of settlers acts better than the other strategies especially in protectively human dignity.

5- Suggestions

Article's suggestions are demonstrated at two levels as physical empowerment of informal settlements and socio – economic empowerment.

Key words: informal settlements, empowerment, SWOT, Golshahr

References

- Ahmadian, M. (1999), marginalization, journal of literature and social sciences faculty, Mashhad University, year,31, No. 1-2.
- Bane, Rantadeep and Ami Rawal; (2002), Slums- a case study of Anand city; available at: www.lboro.ac.uk/wedc/papers
- Castells, Manuel (1996), the information age; economy, society and culture, Blackwell press
- Fanni, Zohre (2006), Cities and urbanization in Iran after Islamic revolution, available at: www.elsevier.com/locate/cities
- Francois Lyotard Jean (1999), the postmodern condition; a report on knowledge, Minnesota university press.
- Friedmann, J. (1992), the politics of alternative development, Cambridge, Blackwell.
- Hagigi Shahrokh (2009), transition from Modernity? Niche, Foucault, Lyotard, Derida, Agah press.
- Hal Peter & Ulrich Pfeiffer (2010), Urban future 21: a global agenda for twenty- first century cities, translated by Ismail Sadegi and Nahid Safayi, consultant engineering society of Iran press
- Hulab Robert (2010), critique in public sphere ; philosophical discussions of Habermas with Puperians ,Gadamer, Luman,

- Lyotard, Derida and others , translated by Hossein Bashiriyeh , Ney press
- Javan Jafar (2004), introduction to method of regularization of metropolitan margins the case of study; Mashhad metropolitan, journal of geography and regional development, No.1.
- Khazrayi Farzin (2003), empowerment in informal settlement; Zahidan experience, journal of Haft shahr, year 3, No 8.
- Luvc Zwaenepoel (2007), SWOT methodology and regional planning, available at: www.Zrc-sazu.si/lgs/SWOT.
- Lyotard Jean Fransuva (2003), the postmodern condition; a report on knowledge, translated by Hosseinali Nozari, Game no press.
- Narayan Deepa (2002), Empowerment and Poverty reduction; a source book, the World Bank press.
- Pal, A. (2008), political space for the civil society: the work of two community- based organization in Kolkata, Habitat international, No.32.pp, 424- 436
- Sahraeeyan Amir (2004), using of empowerment approach and environmental upgrades in informal settlements the case of study Jafarabad area of Kermanshah, Msc dissertation, Shahidbeseshti University
- Sarrafi Mozaffar (2003), the problem titled as informal settlement, the solution titled as empowerment , journal of shahrdariha, year 6, No. 68.
- Thorns; David.C; 2002, The Transformation of cities urban theory and urban life; PALAGRAVE; MCMILLAN.

پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی